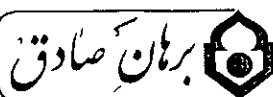


شرح حال علمای مذهب جعفری

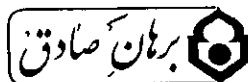
الفتاویٰ الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریہ

جلد اول

مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره)



سرشناسه	:	قمی، عباس. ۱۲۵۲ - ۱۳۱۹.
عنوان و نام پدیدآور	:	شرح حال علمای مذهب جعفری - القوابیل الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفری/عباس قمی.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات برهان صادق، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	ج ۲.
وضعیت فهرست نویسی	:	فبپا
یادداشت	:	بخش‌هایی از متن کتاب حاضر به فارسی و بخشی به عربی است.
عنوان دیگر	:	القوابیل الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفری.
موضوع	:	مجتهدان و علماء - سرگزشتنامه
موضوع	:	فقیهان شیعه - سرگزشتنامه
رده بندی کنکره	:	۱۲۹۱ ف-۹/۲/۵۵ BP
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۹۹۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۰۶۹۳۷۱



□ شرح حال علمای مذهب جعفری (جلد اول)

□ مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره)

□ چاپ اول: ۱۳۹۱

□ قطع و تعداد صفحات: ۲۲۴ صفحه وزیری

□ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

□ بها: ۲۳۰۰۰ تومان

□ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۶۱-۸۹-۳

□ توجه: به موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و مترجمان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ و همچنین قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۰ کلیه حقوق این اثر به هر نحو برای انتشارات برهان صادق محفوظ می‌باشد. در کس تمام یا قسمتی از این کتاب را بدون اجازه، نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست

۷	 مقدمه
۱۳	 باب الالف
۷۱	 باب الباء
۷۳	 باب التاء
۷۵	 باب الثاء
۷۷	 باب الجيم
۱۱۱	 باب الحاء المهملة
۱۹۷	 باب الخاء
۲۰۷	 باب الدال

٢١١	باب الذال
٢١٣	باب الرءاء
٢٢١	باب الزاى
٢٣٧	باب السين
٢٤٧	باب الشين
٢٥١	باب الصاد
٢٥٩	باب الضاد
٢٦١	باب الطاء
٢٦٣	باب الظاء
٢٦٥	باب العين
٣٩٣	باب الغين
٣٩٥	باب الفاء
٤٠٩	باب القاف
٤١٧	باب الكاف
٤٢١	باب اللام

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذى أوضح لنا السبيل إلى الأحكام، و جعل الرواية طريقا إلى أخذها من هذه الأنام.

و الصلاة والسلام على محمد سيد أنبياء الكرام، و على خلفائه الراشدين حجج الله العالم، سيما على خاتمهم وقائمهم، الإمام المأمول، المنتظر لكشف الظلام، عليه منى ما حدا سائق، أو غرد القمرى، ألف سلام.

و بعد چنین گوید این فقیر بی بضاعت و متمسک به ذیل اهل علم و روایت، عباس بن محمد رضا القمى - ختم الله لهما بالحسنى و السعادة - : همانا در مطالعه توارخ علمای اعلام و مراجعه به تراجم فضلاى عالى مقام، لذت و ابتهاجی روى دهد از برای نفس که، تشویق کند انسان را به متابعت آثار ایشان و اقتدای به صالح افعال ایشان، و باعث شود که به اندک زمانی از حسیض جهل به اوج علم و مرتبه نقصان به مدارج کمال صعود نماید.

قال شيخنا المحدث النورى الطبرسى قدس سره فى كتاب الفيض القدسى : إن فى ذكر السلف الصالحين، و العلماء الراسخين الذين اهتموا بنور أئمتهم، و اقتفوا آثارهم، و اقتدوا بسيرتهم و أناخوا رحلهم بفنائهم، و لم يشربوا من غير كأسهم و إنائهم، تذكرة و موعظة للخلف

الباقین، و أنساو تسلیة للآحقین، و إعانة لهم على الصعود على مدارج الکمال، و العکوف على صالح الأعمال.

و فيه مع ذلك إحياء لذكرهم الذى فيه ذكر أئمتهم و ساداتهم، و إتمام لنورهم الذى اكتسبوه من ولايتهم، و عمل بما ورد من الحث على مجالستهم و مخالطتهم، و الحض على محادثتهم؛ فإن المسرّح طرفه فى أکناف سيرة من غاب عنه و ما هو عليه من العلم و العبادة و الفضل و الرّادة، کالمجالس معه [له] المستأنس به، فى الانتفاع بأقواله و حرکاته، و اقتفاء سيرته و آدابه.

و لذا استقرّت طريقة المشايخ، على ضبط أحوالهم و جمعها و تدوينها فى صحف مکرمّة و کتب شريفة، و أتبعوا أنفسهم فى ذلك، حتّى تحمّلوا أعباء السفر، و قطعوا الفياض و القفار، و رکبوا البرارى و البحار، و رغبوا حافظيها و مصنفيها، و مدحوا جامعيتها و مؤلفيها، و بالغوا فى الثناء عليهم. انتهى کلامه رفیع مقامه.

و این احقر قلیل البضاعة از عنقوان جوانی و ریعان زندگانی در خاطر فاطر بود که، کتابی در رجال - و هم کتابی خالی از حشو و زوائد - در احوال علمای اعلام و فقهای فخام بنویسم، تا در چند سال قبل که به اعانت الهی کتاب تحفة الأحاب فی نوادر آثار الأصحاب [را] - که در ترجمه جمله ای از مشاهیر از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و اله، و معروفین از اصحاب ائمه هدی علیهم السلام و علمای زمان غیبت صغری بود - نگاشتم و هم آن را از خاطر خود برداشتم.

لکن شواعل روزگار و عوایق دهر غذار و تراکم آلام و محن و تهاجم هموم و فتن مرا مانع بود از آن که این خدمت را به پایان رسانم و احوال علمای اعلام را نگارش دهم و مع هذا از وصول به مأمول مأیوس نمی شدم و به نیل مسئول، خود را تمنی و تسلی می دادم تا در سنه ۱۳۳۲ - که به جهت شدت ابتلا و گرفتاری و کثرت هموم و غموم که بر این داعی روی داد و شرح آن طولانی است - به خاطر مرسید که پناه برم به امام اتقیا و زبده اصفیا و پناه غربا و شهید زهر جفا، حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا - صلوات الله علیه و علی آبائه و آبائهم - چه در روایت وارد شده که، رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که، «به زودی مدفون می شود پاره ای از تن من به خراسان، زیارت نمی کند او را غمناکی، مگر آن که بر طرف کند حق تعالی غم او را و نه گناه کاری مگر آن که حق تعالی بیمارزد گناهان او را.»

و هم روایت شده که، شخصی در خواب دید که ملکی با جامه سبز از آسمان نازل شد و این

دو شعر را بر شاذروان قبر مطهر آن حضرت نوشت:

من سرّه آن یری قبراً برؤیته یفرّج الله عمّن زاره کربه
فلیأت ذالقبر إنّ الله أسکنه سلالة من رسول الله منتجبه

پس اسباب سفر مهیا کردم و از دارالایمان قم به صوب ارض اقدس توجه نموده و چون به تقبیل آن سده سنیّه و عتبه عالیّه فایز گشتم چندان مراحم و الطاف و نعمت از آن رحمت الهی و نعمت نامتناهی در خود مشاهده کردم که هوس مجاورت آن آستانه مقدسه را نمودم و با خود گفتم:

إذا كنت تأمل أو ترتجی من الله فی حالیک الرضا
فلازم مودة آل الرسول و جاور علی بن موسی الرضا

قبر امام هشتم و سلطان دین رضا از جان بیوس و بر در آن بارگاه باش

با آن که در این قطعه از زمان، که فتنه های بی پایان چون پاره های شب مظلّم متراکم و بر تمام بلاد و عباد متهاجم گشته، و به حکم «إذا عمت البلدان الفتن و البلیا فعلیکم بقم و حوالیها و نواحیها؛ فإنّ البلیا مدفوع عنها» شایسته است که هر کس بتواند مهاجرت به بلده طیبه قم نماید، تا چه رسد به کسی که قم و وطن او باشد، لکن این شکسته مهجور، چندان مغمور در نعمت بی پایان حضرت سلطان خراسان - صلوات الله علیه - گشتم که مرارت غربت را در این آستان ملایک پاسبان بر کام خود شیرین دیدم، و رغبت مراجعت به وطن را در خود ندیدم، بلکه سختی های کشیده و تلخی های چشیده را شکرها گفتم و منت ها پذیرفتم.

منت از بخت مساعد که پس از راه دراز بر در کعبه جان بست دلم عقد نماز
آن چنان کعبه که هر کس به صفادید در آن منت از خار مغیلان کشد و راه دراز

و هم پیوسته عرضه می دارم:

شاهامن ار به عرش رسانم سریر فضل مملوک آن جنابم و محتاج این درم
گر برکنم دل از تو و مهر از تو بگسلم این مهر بر که افکنم این دل کجا برم؟

نامم ز کارخانه عشاق محو باد کز جز محبت تو بود ذکر دیگرم
ای عاشقان کوی تو از ذره بیشتر من کی رسم به وصل تو کز ذره کمترم

و ممّا أنعم الله تعالى على ببركة هذا الإمام - عليه الصلاة والسلام - أنه قد أنزلني بمنزل السيد الأجل والكهف الأظلم، العالم المحقق والفاضل المدقق الورع البرع التقى الزكي، ثقة الاسلام ملاذ الانام أبي المكارم والمحاسن، حجة الاسلام وسيدنا الحاج آقا حسين القمي ابن السيد الحسين الجليل، ذي الشرف الأصيل، غرة ناصية العزة والجلال، وقدوة أرباب الشرف والكمال، الواصل إلى رحمة ربه الودود المرحوم المغفور، الحاج السيد محمود - عطر الله مرقده ونور مضجعه - وكان من سعادة هذا السيد السعيد أن رزق أولادا علماء وفقهاء أتقياء، منهم: السيد الأجل المذكور الذي هو من أعظم فضلائنا المتأهلين للثناء بكل جميل، عادم العديل، وفاقد الرميل، مسلما تحقيقة في الاصول، بل ماهرا في المعقول والمنقول، حسين الاسم، حسن الرسم والأخلاق جيد الخلق، طيب الخلق والأعراق، لم أرفى قدسية الذات ثانية، ولا في ملكية الصفات مدانية، كأنه ما جبل إلا بالرضا والتسليم وما أتى الله إلا بقلب سليم.

و بالجملة: چون به برکت مجاورت ارض اقدس، فراغتی در خود دیدم، اسباب اشتغال خود را مهیا ساختم و به نگارش این کتاب مستطاب - که در تراجم علمای امامیه است - پرداختم و استعانت جستم در اکثر مطالب آن، به کتاب امل الآمل و خاتمه مستدرک شیخ خود، ثقة الاسلام جناب حاجی میرزا حسین محدث نوری - نور الله مرقده - و تکمله جناب العالم الماهر آقا سید حسن کاظمی - ادام الله بقائه - و سلافة العصر من محاسن اعیان العصر، تصنیف سید نجیب و جوهر عجیب، صدر الدین سید علیخان شیرازی مدنی - طالب ثراه - و روضات الجنات عالم فاضل ماهر جناب آقا سید محمد باقر اصفهانی - رضوان الله علیه -.

و به جهت اختصار رقم کردم از امل الآمل به «مل» و از صاحب آن شیخ أجل محدث ربانی، شیخ محمد بن الحسن الحر العاملي - رحمة الله علیه - «ح مل» و از خاتمه مستدرک «خک» و از تکمله «کمله» و از سلافة «فه» و از روضات «ضا» و گاهی به توسط «مل» یا غیر آن، از شیخ منتجب الدین علی بن عبید الله القمي - روح الله روحه - نقل می کنم و در آخر آن «م» رسم می نمایم و مرتب گردانیدم آن را به ترتیب حروف به مراعات اول و ثانی بر نهج مألوف.

و لَمَّا كَانَ تصنيف هذا الكتاب في جوار الروضة المقدسة المطهرة، و ببركات الحضرة الشريفة المعطرة، مهبط ملائكة الله و معدن رضوان الله التي هي روضة من رياض الجنة و الله المستقر بها امام المتقين، و بضعة رسول رب العالمين سيد الانس و الجنة و ثامن الائمة المدفون بأرض الغربة، مولانا المظلوم و إمامنا المسموم، السلطان ابو الحسن الرضا على بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب - صلوات الله عليهم اجمعين - فبالحري أن أسميه بالبركات الحضرة الرضوية في تواريخ مروّجى الشريعة النبوية.

تبارک الله از آن روضه بهشت آیین	که یک غبارِ درش آبروی نه چمن است
چه جای گلشن عالم که هشت باغ بهشت	طفیل روضه سلطان دین، ابو الحسن است
علی موسی جعفر، امام گلشن و حی	که طوف بارگهش از فرايض و سنن است
به گرد روضه تو گر نعیم هشت بهشت	شود نثار یکایک، به جای خویشتن است
فرو گرفت جهان را چراغ دولت تو	چو آفتاب که خنجر گذار و تیغ زن است
گلی که از چمن کبریای تو سر زد	شکفته باد که چشم و چراغ انجمن است

و إن شئت فسمّه «الفوائد الرضوية في احوال علماء المذهب الجعفرية». و أسأل الله تبارک و تعالی أن یوفقنی للاقتفاء بآثارهم، و الإقتداء بسیرتهم و الحشر فی زمرتهم، و أن یجعل کتابی هذا مرجعاً للأفاضل الأعلام و ذکر الی فی الدنیا مدی الشهور و الأعوام بمحمد و أهل بیته المنتجبین الكرام علیهم آلاف الصلاة و السلام.